

اقتصادی را افزایش داده‌اند، از دیگر علل افزایش مطالبات معوق بانکی در ایران هستند. علاوه بر این، اعمال تحریم‌ها، بانک‌های ایرانی را که در کشورهای خارجی شعبه داشته‌اند، در خدمت‌رسانی به مشتریان با مشکل مواجه ساخته‌اند، تا آنجا که واحدهای اقتصادی داخل کشور، باید از طریق واسطه‌هایی چون مؤسسات مالی در دبی و با هزینه‌هایی به مراتب بیشتر، امور خود را سر و سامان دهند.

پاشنه آشیل

نرخ‌های دستوری بانکی که بسیاری از بخش‌های اقتصادی را مستأصل کرده‌اند، این بار دامان خود سیستم بانکی را گرفته‌اند. اختلاف زیاد نرخ‌های رسمی بهره با نرخ بازار غیررسمی، بسیاری را به این فکر واداشته که از تسویه وام بانکی خود شانه خالی کنند، چرا که حتی اگر جریمه ۶ درصدی دیرکرد هم به وام‌های آنها تعلق گیرد، باز هم در این بین سود حاصل می‌کنند. در کنار این مطالب، عملکرد سیاسی دولت هم در افزایش مطالبات معوق بی‌تأثیر نبوده است. عموماً تمام دولت‌های بر سر کار - نه در ایران بلکه در کل جهان - برای افزایش محبوبیت و شهرت خود، سعی در جلب نظر عموم مردم دارند که در ایران، پرداخت وام - آن هم بدون ارزیابی درست از سود و زیان پروژه‌های مشمول دریافت - به عنوان یکی از راه‌های دستیابی به این

هدف برگزیده شده است. اعطای تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده نمونه بارزی از چنین سیاستی است. این طرح اگر چه در عمل امری پسندیده به شمار می‌رود، اما به دلیل آن که تمام جوانب آن مورد ارزیابی قرار نگرفته، شاهد انحراف منابع مالی و عدم به بار نشستن آن هستیم که افزایش مطالبات معوق یکی از پیامدهای اجرای این طرح است. به علاوه، تغییر ناگهانی قوانین و مقررات و سیاست‌های یک جانبه از سوی دولت را به عنوان عامل دیگر در رشد مطالبات معوق، نباید از یاد برد.

راهکار چیست؟

از آنجا که در شرایط رکودی، دریافت مطالبات معوق به مراتب دشوارتر از شرایط عادی اقتصادی است، دولتمردان باید عزم خود را جزم نمایند تا با بهبود شرایط اقتصادی، راه برون رفت از وضعیت رکودی را برای کارآفرینان بخش خصوصی هموار نمایند. در حال حاضر، بسیاری از فعالان نظام بانکی اذعان دارند بخش اعظمی از معوقه‌های فعلی بانکی، حاصل شرایط رکودی و تحریمی کشور بوده‌اند. یقیناً با حمایت دولت از بانک‌ها و مؤسسات تسهیلات دهنده و کنار آمدن با بنگاه‌های اقتصادی که شرایط دستیابی به رونق اقتصادی را تسهیل می‌کند، بخش عمده‌ای از مطالبات معوق بانکی وصول خواهند شد. ■

اقتصادی منتج می‌شود، عواقب نامناسبی را به دنبال خواهد داشت. با معوقه شدن بدهی‌های دولتی به سیستم بانکی، احتمالاً یا شاهد چاپ پول بی‌پشتوانه و یا دست اندازی دولت به صندوق ذخیره ارزی جهت بازپرداخت بدهی‌های بخش دولتی خواهیم بود.

تأثیر بر بازار پولی

افزایش مطالبات معوق بانکی، منابعی را که می‌توانند جهت وام و تسهیلات ارایه شوند کاهش می‌دهد و از آنجا که کسری یا مازاد هر کالایی قیمت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طور قطع، نرخ بهره بانکی در واقعیت به موازات کاهش منابع تسهیلات افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر، بر خلاف این روند، نه تنها شاهد افزایش نرخ بهره نبوده‌ایم که حتی این نرخ کاهش یافته است. در حال حاضر که منابع وام‌دهی بانک‌ها افت کرده‌اند، تنظیم دستوری نرخ بهره، وام‌گیرندگان بدحساب را بیشتر به عدم بازپرداخت بدهی خود تحریک می‌کند. یقیناً اصلاح سیاست‌های پولی و بسته‌های سیاستی-نظارتی بانک مرکزی کشور می‌تواند به عنوان راهکاری برای جلوگیری از چنین رانت‌هایی در اقتصاد کشور قلمداد شود.

البته در این خصوص، ناکارآمدی بازار سرمایه کشور را هم نباید از یاد برد. در عموم کشورهای صاحب اقتصاد امروز جهان، تأمین مالی میان مدت و بلند مدت بنگاه‌های تولیدی و خدماتی از طریق بازار سرمایه صورت می‌پذیرد و بانک‌ها وظیفه نگهداری پول و تسهیل مبادلات را بر عهده دارند. یقیناً اگر بانک‌های ایرانی هم چنین وظیفه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند و وظیفه تأمین مالی دارایی‌های میان مدت و بلند مدت به بازار سرمایه سپرده شود، دیگر شاهد پیدایش مطالبات معوق، به این صورت، نخواهیم بود. مضاف بر این، در حال حاضر، بسیاری از بنگاه‌ها برای آن که بدهی بانکی خود را پرداخت نمایند مجدداً از بانک عامل و یا دیگر بانک‌ها وام می‌گیرند و برای جبران یک بدهی، بدهی دیگری ایجاد می‌کنند. به طور حتم، اگر بازار سرمایه کشور از شرایط کارآمدی برخوردار باشد، یک بنگاه به دلیل آن که برای تأمین مالی خود باید اطلاعات کامل و شفافیتی از عملکرد اقتصادی‌اش ارایه کند، دیگر نمی‌تواند از چنین مجراهایی بهره ببرد. بنابراین باید هر چه سریع‌تر، زیرساخت‌های مناسب بازار سرمایه برای رفع چنین مشکلاتی اجرایی شوند. ■

اقتصاد سالم در پرتو بانکداری سالم

کشتی سرگردان

نظام بانکی که مهمترین مرجع تأمین نقدینگی در کشور ما است، امروز حال و روز خوشی ندارد.

رقابت ناعادلانه

با کاهش منابع پولی و مالی، به دلیل فضای نامناسب اقتصادی و کسب و کار کشور و همچنین حضور پُرنرنگ دولت در عرصه اقتصاد، رقابت بیش از پیش به ضرر تولید کنندگان بخش خصوصی تمام می‌شود و ته مانده وام‌هایی هم که قرار است به اقتصاد داخلی تزریق شود، به صورتی نامتعادل در بلنه اقتصاد دولتی جریان می‌یابد. بر اساس گزارش بانک مرکزی، حجم مطالبات معوق بانکی تا پایان سال ۸۸ رقمی در حدود ۵۱۵ هزار میلیارد ریال بوده که این رقم نسبت به سال ۸۷ معادل ۵۸/۹۵ درصد افزایش یافته است.

رشد، توسعه و بالندگی، هدف غایی تمام اقتصادهای جهان است و این مهم تنها در سایه بهره‌گیری از یک سری ابزار به دست می‌آید که از آن جمله می‌توان به نظام سالم و کارآمد بانکی اشاره کرد. تولید کالاها و خدمات، زمانی افزایش می‌یابد که حامیان مناسبی از آن پشتیبانی کنند. بی‌شک نیروی کار و سرمایه مهمترین پشتوانه‌های یک فعالیت تولیدی و خدماتی به حساب می‌آیند که در صورت بکارگیری مناسب این دو عامل، می‌توان به سطحی معقول از تولید کالا و ارایه خدمات دست یافت. نکته آن که عامل سرمایه، همواره به اندازه کافی در دسترس نیست و همین مسأله، نقش مؤسسات پولی و مالی را به طرز چشمگیری در حمایت از تولید کالا و خدمات نشان می‌دهد. حال اگر این نظام حمایت‌کننده دچار آسیب شود، یقیناً پشتیبانی از تولید و صنعت دچار نقصان می‌شود. میزان معوقه‌های بانکی که طی چند سال اخیر سیر صعودی به خود گرفته، قدرت پشتیبانی بانک‌های کشور را از اقتصاد ملی تضعیف کرده است که باید چاره‌ای برای این معضل اندیشید.

در سال‌های اخیر، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و سایر بانک‌ها افزایش یافته است. این موضوع که بیشتر، از عدم تخصیص بهینه منابع توسط دولت در امور

معوقه‌های بانکی و مطالبات از دولت / هزار میلیارد ریال/درصد

سال	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
مطالبات معوق بانکی	۶۹/۸	۱۰۸/۰	۱۷۷/۰	۳۲۴/۰	۵۱۵/۰
رشد معوقه‌ها	-	۵۴/۷	۷۳/۱	۷۳/۲	۵۸/۹
بدهی دولت به سیستم بانکی	۱۳۵/۸	۱۶۰/۲	۱۸۸/۷	۲۰۶/۹	۲۲۹/۳

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از گزارش بانک مرکزی و بانک اطلاعاتی ماهنامه